



ارائه مدلی برای سرمایه گذاری در آموزش عالی کشور

علی کشاورز زاده^۱، مجید قاسمی^۲

۱ دانشجوی دکتری تخصصی برنامه ریزی توسعه آموزش عالی، دانشگاه کردستان، ایران نویسنده مسئول.
۲ دانشجوی دکتری تخصصی برنامه ریزی توسعه آموزش عالی، دانشگاه کردستان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۲۲ تاریخ اصلاح: ۱۳۹۶/۰۶/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۱۵

A model of investing in higher education in Iran

Ali keshavarzade¹, Majid Ghasemi²

PhD student of higher education development planning. University of Kurdistan. Iran.

(Corresponding Author.)

Majid ghasemi

PhD student of higher education development planning. University of Kurdistan.

Email: keshavarz.ali66@gmail.com
gmajid13@gmail.com

Received 13/08/2017, Revised 12/08/2017, Accepted 06/11/2017

چکیده

بحران مالی جهانی در تمامی عرصه ها به طور ویژه عرصه های دانشگاهی نمود پیدا کرده است. بنابراین، تامین مالی و مدیریت منابع مالی مهمترین عامل بقاء دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی می باشد. پیامدهای این رکود در عرصه های دانشگاهی به نحوی سنگین خواهد بود که، منجر به تغییرات قابل توجه در ابعاد ملی و فراملی خواهد شد. بنابراین، هدف پژوهش حاضر، ارائه مدلی برای سرمایه گذاری در آموزش عالی کشور می باشد. با توجه به مبانی نظری و پیشینه کشورهای دنیا در زمینه مدل های تامین مالی و سرمایه گذاری در آموزش عالی، از طریق بررسی جامع مدل های تامین مالی و سرمایه گذاری در آموزش عالی، در ابتدا سه سناریو برای سرمایه گذاری در آموزش عالی کشور بیان شده، که هر کدام از سناریو های مطرح شده نشانگر، مدل خاص سرمایه گذاری در آموزش عالی می باشد. در مرحله بعد، مکانیسم های تامین مالی در سه مدل سرمایه گذاری بیان گردیده است. در نهایت ضمن در نظر داشتن شرایط کشور، مناسب ترین مدل سرمایه گذاری و مکانیسم ها انتخاب و راهکارهای تحقق آن ارائه شده است. با توجه به ملاحظات فوق، روش پژوهش حاضر، تحلیل کیفی استقرایی می باشد.

کلمات کلیدی: مدل سرمایه گذاری، آموزش عالی، رکود، مکانیسم انتخاب

۱-مقدمه:

اکثر دانشگاه‌های سراسر جهان اهداف مشابه ایجاد دانش را دارند (کلارک ، ۱۹۹۸). دانش به عنوان عنصر اصلی در ارتقاء سطح توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قرارداد که از طریق سه نقش آموزش، پژوهش و حکمرانی حاصل می‌شود (سدلاسک ، ۲۰۱۳). جهت تحقق نقش‌های مذکور، دانشگاه نیاز به آزادی علمی دارد که لازمی آن مستقل بودن دانشگاه از نظر منابع مالی است تا به دور از هر گونه نفوذ و تاثیر سوء، به وظیفه و عملکرد جوهری خود یعنی توسعه، دست یابد (میلوز و اسلادانا ، ۲۰۱۳). امروزه مساله بحران مالی جهانی در تمامی عرصه‌ها به طور ویژه عرصه‌های دانشگاهی نمود پیدا کرده است. بنابراین، تامین مالی و مدیریت منابع مالی مهمترین عامل بقاء دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی می‌باشد (گالبرایت ، ۲۰۱۳). پیامدهای این رکود مالی در عرصه‌های دانشگاهی به نحوی سنگین خواهد بود که منجر به تغییرات قابل توجه در ابعاد ملی و فراملی خواهد شد (ولپ و همکاران ، ۲۰۱۵). در چنین شرایطی به نظر می‌رسد که، اصلاحات در سیستم‌های آموزشی ضرورت داشته باشد. اصلاحات در سیستم‌های آموزش عالی همانند دیگر سازمان‌ها، به دلیل ارتقاء سطح بهره‌وری، کارایی و اثربخشی بیشتر توسط سازمان همکاری و توسعه اقتصادی مطرح شد (پل لیت و بوکارت ، ۲۰۰۰). اصلاحات در عرصه آموزش عالی تحت مفهوم مدیریت عمومی جدید بوده (دایینز و همکاران ، ۲۰۱۱) و اصلاح امور مالی، بودجه و سرمایه‌گذاری آموزش عالی را شامل می‌شود (پریچارد و همکاران ، ۲۰۱۶).

تحقیقات نشان داده که نرخ بازگشت سرمایه در تمامی بخش‌های آموزش عالی به طور ویژه در بخش پژوهش و پشتیبانی آموزش عالی بسیار زیاد ارزیابی شده است (دایینز و همکاران، ۲۰۱۱). باتوجه به بحران‌های مالی جهانی، دولت‌ها باید هزینه‌های عمومی خود را کاهش دهند، ولی در بخش آموزش عالی این کاهش معنایی ندارد و شامل این بخش نمی‌شود، چراکه، سرمایه‌گذاری در آموزش عالی یک راه مناسب برای توسعه اقتصادی و اجتماعی است. این عمل از طریق مزایای فردی و جمعی آموزش عالی در دو بعد مستقیم و غیره مستقیم حاصل می‌شود (کمیسیون دانشجویی اتحادیه اروپا ، ۲۰۱۳).

تامین مالی آموزش عالی، مهمترین عامل اجرای استراتژی‌های آموزشی و بهبود سیستم آموزشی است که منجر به ارتقاء کیفیت آموزشی، دسترسی به آموزش عالی، افزایش کارایی و بهبود نتایج پیشرفت تحصیلی شده است (میلوز و اسلادانا ، ۲۰۱۳) و (مین اکسوان ، ۲۰۰۶).



مهمترین تفاوت های موجود در مدل های تامین مالی آموزش عالی در تامین مالی مستقیم و غیر مستقیم کشف شده است. با وجود تفاوت هایی در تامین مالی مستقیم و غیره مستقیم، مهمترین وظایف مدل های تامین مالی در آموزش عالی، افزایش بودجه دولت برای آموزش عالی، اعطای استقلال بیشتر در مدیریت منابع مالی، اطمینان از همبستگی مستقیم بین نتایج عملکرد و بودجه اختصاص یافته، ترویج تنوع منابع مالی و ایجاد همکاری بین موسسات تحقیقاتی می باشد (ارینا و ارینز، ۲۰۱۵). از نظر اقتصادی، سرمایه گذاری در آموزش عالی اساساً به این دیدگاه بر میگردد که فرد با صرف هزینه هایی در آموزش و مهارت آموزشی خود، پس از جریان فارغ التحصیلی وارد عرصه بازار کار شده و به مرور اصل و سود حاصل از سرمایه گذاری در ابعاد فردی و جمعی به صورت مستقیم و غیره مستقیم به وی باز می گردد (سازمان همکاری توسعه اقتصادی، ۲۰۰۸). مطمئناً، بهترین مدل تامین مالی و سرمایه گذاری در آموزش عالی وجود ندارد که بتوان در نظام آموزش عالی معرفی و اجرا کرد. بررسی پیمایشی اتحادیه اروپا تحت عنوان تجزیه و تحلیل مقایسه ای از استقلال مالی دانشگاه ها در لیتونی، اسکانلند، سوئد، دانمارک و رومانی (۲۰۱۵) حاکی از این است که، مدل ایده آل استقلال مالی آموزش عالی برای تعمیم به همه کشورها، وجود ندارد. بلکه، به شرایط داخلی و خارجی در طی زمان های متفاوت، باید مدلی مناسب اتخاذ کرد (آلا، ۲۰۱۵).

بنابراین، ضرورت دارد که، تمام ذینفعان درگیر در فرآیند تصمیم گیری آموزش عالی، به راه حل های جدید فکر کرده و انتظارات خود را با منابع در دسترس به کار گیرند. با این وجود مهم است که، با در نظر داشتن شرایط بومی، محلی، ملی و فراملی و با توجه به اهمیت نسبی هر یک از مدل های تامین مالی و سرمایه گذاری در آموزش عالی، با توجه به تجزیه و تحلیل مناسب پیامدهای کوتاه، متوسط و طولانی مدت، تصمیمات دقیقی اتخاذ شود (میلوز و اسلادانا، ۲۰۱۳).

میزان توجه و اهمیت سرمایه گذاری آموزش عالی در کشورهای دنیا متفاوت می باشد. به عنوان مثال، یونسکو توصیه می کند ۶٪ از تولید ناخالص داخلی برای آموزش عالی اختصاص یابد، در حالی که کمیسیون اروپا ۲٪ از تولید ناخالص داخلی برای آموزش عالی را توصیه دارد. در کشورهای عضو اتحادیه اروپا، این نرخ در حدود ۸ درصد از تولید ناخالص داخلی - در بلغارستان و رومانی، تا ۲/۴ درصد از تولید ناخالص داخلی - در دانمارک، در نوسان است (میلوز و اسلادانا، ۲۰۱۳). در سال ۲۰۰۲، نروژ مدل جدید بودجه مبتنی بر عملکرد را برای آموزش عالی طراحی و در سال ۲۰۰۷ معرفی کرد. هدف اصلی این مدل، واکنش مناسبی به رشد تعداد دانشجویان و

هزینه های آموزش عالی می باشد. در واقع سیستم تامین مالی مبتنی بر عملکرد به نوعی می توان گفت، نتیجه محور می باشد. در این مدل، میزان انتشارات تحقیقاتی، و افزایش ارتباطات خارجی به عنوان ملاک اندازه گیری تخصیص بودجه و تامین مالی هر دانشگاه می باشد (سازمان همکاری توسعه اقتصادی، ۲۰۰۶). در اکثر کشورهای آمریکای لاتین، به استثنای شیلی، مذاکره و چانه زنی هنوز به عنوان مکانیسم مناسب مدل تامین مالی برای توزیع بودجه آموزش می باشد (آنا، ۲۰۱۴). گزارش بیست و چهارم اقلیمی سرمایه گذاری در کشورهای عربی (۲۰۰۸) برای اولین بار یک بخش در زمینه توسعه آموزش عالی اختصاص داده و اذعان به اهمیت در حال ظهور آموزش عالی برای جهان عرب داشته است. تامین مالی و سرمایه گذاری دولتی در قالب کمک مالی و وام های دانشجویی به عنوان مهمترین استراتژی برای تامین مالی در کشورهای عربی می باشد (منار، ۲۰۰۹).

در آمریکا، آموزش عالی بالاترین ردیف بودجه ای را دارا می باشد. با این وجود دانشگاه های آمریکایی دارای بالاترین میزان انعطاف در فرایند مدیریت، سرمایه گذاری و تامین مالی می باشند. مدیریت مالی در دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی آمریکا به دو صورت متمرکز و غیره متمرکز مدیریت می شود. سیستم های مدیریت مالی متمرکز، فرایند مدیریت و رهبری آموزش عالی را از منظر مالی تسهیل کرده ولی دولت برای ایجاد انعطاف بیشتر در این عرصه، سیستم های غیر متمرکز را پیشنهاد داده تا به نقطه بهینه و مطلوب دست یابند. بنابراین، فرمول تامین مالی و مدیریت منابع مالی در دانشگاه های آمریکایی بر اساس نقطه بهینه دو فرایند مدیریت متمرکز و غیر متمرکز مالی اداره می شود. در این بین، برای رسیدن به نقطه مطلوب، استفاده از نوآوری را به عنوان شرط لازم قلمداد کرده اند (لئو، ۲۰۱۲) و (دامستر، ۲۰۱۶).

پژوهشی تحت عنوان ارزیابی از مدل های تامین مالی در کشورهای اروپای شرقی انجام شده که شامل کشورهای بلغارستان، جمهوری چک، قبرس، استونی، مجارستان، لتونی، لیتوانی، مالت، لهستان، رومانی، اسلواکی و اسلوانی شرقی می باشد. این پژوهش، فرمول های تامین مالی را به عنوان یکی از مهم ترین جنبه هایی که باید در ارزیابی از مدل های تامین مالی آموزش عالی مورد تأکید قرار گیرد. در لیتوانی فرمول ها برای برنامه های معتبر مورد استفاده قرار می گیرد، در مجارستان و رومانی استفاده از فرمولها تنها روش برای محاسبه بودجه دولتی موسسات آموزش عالی هستند، در بلغارستان برای محاسبه هزینه های تحصیل، ۶۰٪ تا ۶۵٪ از بودجه دولتی استفاده می شود. به طور معمول این فرمول ها، شامل شاخص هایی است که منابع



تخصیص یافته را مشخص می کنند، مانند تعداد دانشجویان، ثبت نام، تعداد کارکنان، و کل مساحت محل. همچنین، شامل شاخص های عملکرد، مانند کارایی تحقیق یا تعداد دانشجویانی که در دوره مشخصی تحصیل کرده اند (بیروت و اورلیجا، ۲۰۱۰). (ارینا و ارینز، ۲۰۱۵).

(ارینا و ارینز ۲۰۱۵) در پژوهشی الگوهای تامین مالی کشورها اروپای شرقی را، تامین مالی مستقیم دولت، بودجه توسط صندوق های سرمایه گذاری مختلف اتحادیه اروپا، درآمد خود موسسات آموزش عالی، پروژه ها، عرضه خدمات، ثبت اختراعات و بودجه و هزینه تحصیلی که می تواند توسط خانواده دانشجو یا وام بانکی، شناسایی کرده است. دادگاه اروپایی ممیز حسابرسان اتحادیه اروپا، ابزارهای تامین مالی را به عنوان راه حلی برای مقابله با بحران های مالی در سازمان خود، پیشنهاد داده است. این ابزارهای تامین مالی شامل وام، ضمانت نامه یا تعهد به پاسخگویی، سهام بندی و واگذاری سهام و در نهایت شبه حقوق صاحبان سهام می باشد (دادگاه اروپایی ممیز حسابرسان اتحادیه اروپا، ۲۰۱۶). در کشورهای آمریکای لاتین بخش عمده بودجه آموزش عالی از بودجه ایالتی است و افزایش هزینه های دولت، گسترش اخیر سیستم های آموزش عالی در سراسر منطقه را دچار بحران کرده است. به طور کلی، میزان هزینه های عمومی به عنوان درصد تولید ناخالص داخلی در سراسر دنیا به طور متوسط در حال افزایش می باشد. سیستم های تامین مالی برای آموزش عالی در آمریکای لاتین و کارائیب، به طور کلی، به منابع مالی نهادی (یا سنتی) و مبتنی بر شهریه دانشجو متکی هستند، همچنین، بیشتر منابع به موسسات اختصاص یافته بر اساس بودجه مذاکره شده و بر مبنای مبلغی می باشد که مؤسسات در گذشته و تلاش های لایبگری خود دریافت کرده اند (ماریا و همکاران، ۲۰۱۷). با این حال، با وجود کاهش بودجه مالی دانشگاه ها، افزایش هزینه های مالی و گسترش آموزش عالی، سیستم های دانشگاهی همچنان به رویه های گذشته ادامه داده اند. این در حالی است که آنها برای مقابله با این تغییرات، می بایست اصلاحات ساختاری با هدف اجرای سیستم های تامین مالی کارآمد، بهینه و عدلانه انجام دهند. مکانیسم های تامین مالی و راهکارهای تحقق آنها، به عنوان بخشی از اصلاحات ساختاری است که، گسترش کار، اثربخش و بهره ور نظام آموزش عالی حفظ خواهد کرد (ماریا و همکاران، ۲۰۱۷).

به موجب ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، دانشگاه ها صرفاً براساس آیین نامه ها و مقررات اداری، مالی، استخدامی و تشکیلاتی خاصی که به تصویب هیئت های امنای مربوط میرسد و مورد تایید وزیر ذیربط قرار می گیرد، اداره می شوند. اعتبارات

هزینه ای از محل بودجه عمومی دولت و براساس بهای تمام شده به دانشگاه ها اختصاص می یابد و اعتبارات تخصیص یافته، کمک دولت تلقی می گردد. از سوی دیگر، کمک مذکور به دانشگاه های دولتی بر مبنای هزینه سرانه تعیین می شود. از آنجا که نظام بودجه ریزی آموزش عالی کشور سنتی بوده و در بودجه ریزی سنتی عوامل مهمی چون اثربخشی، کارایی، صرفه جویی و بازدهی در قبال مصرف منابع نادیده گرفته می شود، لذا بیم آن می رود که از منابع به درستی استفاده نشود. از طرفی افزایش و کاهش بودجه دستگاه ها تابع عواملی غیر از شاخص های هزینه ای بوده و بر پایه قدرت چانه زنی افزایش می یابد. میزان پاسخگویی و سنجش میزان مسئولیت در این روش کاری کم رنگ می باشد. شیوه کنونی بودجه ریزی برای دانشگاه های کشور براساس بودجه ریزی برنامه ای است (کردی، ۱۳۹۰).

در نقشه جامع علمی کشور، به افزایش سهم هزینه های آموزش و پژوهش به میزان ۴ و ۷ درصد از تولید ناخالص ملی اشاره شده است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰، ص. ۹)، ولی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (سند راهبردی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، ص. ۵۴)، تنها تعداد محدودی از راهکارها به تأمین و تخصیص منابع مالی اختصاص یافته است.)

رسته مقدم و نادری (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان داده اند که، در رشته هایی که دارای تقاضای اجتماعی و نرخ اشتغال بالایی هستند از الگوی تأمین مالی بازاری و شبه بازاری استفاده شود و در سایر رشته ها که بخش غیردولتی تمایل به سرمایه گذاری در آنها را ندارد، بهره گیری از الگوی دیوانسالارانه (دولتی) در اولویت قرار گیرد.

توفیقی و فراستخواه (۱۳۹۳) به تازگی در پژوهشی که به منظور بررسی، آسیب شناسی و طراحی الگوی مطلوب اجرای اصل (۴۴) قانون اساسی در توسعه آموزش عالی ایران انجام داده اند، ضمن مرور مدل های تنوع بخشی منابع مالی در آموزش عالی کشورهای منتخب، معتقدند که الگوی مناسب برای افزایش دسترسی به آموزش عالی در ایران، الگوی دورگه ی عمومی-خصوصی در سطح سیستم کلان آموزش عالی است که در آن از یک سو حمایت های عمومی و دولتی از آموزش عالی و جریان یارانه به گروه های هدف و نیز نظارت های ملی از طریق استقرار استانداردها و شاخص های کیفی و نظام خود ارزشیابی دانشگاهی و سازوکارهای مؤثر اطمینان از کیفیت وجود داشته باشد و از سوی دیگر محیط حقوقی و فرهنگی و اجتماعی مساعد برای مشارکت مردمی و غیردولتی و تأسیس و توسعه ی بخش خصوصی مستقل، آزاد،

کارآفرین و خلاق در سرمایه گذاری و مدیریت آموزش عالی فراهم آید (توفیقی، جعفر و فراستخواه، مقصود، ۱۳۹۳).

مطالعه سعیدی (۱۳۹۲) که باهدف مشخص نمودن الگوی فعلی تخصیص منابع و شناسایی عوامل تأثیرگذار بر آن در دانشگاه های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با استفاده از روش تحقیق توصیفی (از نوع همبستگی) و به کمک فرمهای جمع آوری اطلاعات صورت گرفته است، نشان داده، بزرگترین ضریب مثبت در تابع تخصیص منابع مالی به دانشکده ها، مربوط به متغیر تعداد اعضای هیئت علمی است. یافته های این پژوهش، به عنوان جدیدترین مطالعه صورت گرفته نشان می دهد، همچنان رویکرد نهاد محور در تخصیص منابع مالی نظام آموزش عالی کشور حاکمیت دارد.

انتظاری و محجوب (۱۳۹۲ الف) پژوهشی که با هدف مشخص کردن سازوکارهای مناسب و مطلوب تأمین مالی آموزش عالی در کشور و با روش فرا تحلیل کیفی و رتبه بندی از طریق فرایند تحلیل سلسله مراتبی صورت گرفته است، نشان داد از بین ده روش تأمین مالی که با رویکردهای عرضه مدار یا تقاضا محور شکل گرفته اند، روش پرداخت وام مشروط به درآمد دانشجویان در چارچوب خدمات آموزش عالی (که برگرفته از رویکرد تقاضا محور است)، برای ایران مناسب است.

عزتی و نادری (۱۳۸۸) در پژوهشی که باهدف بررسی تأثیر سازوکارهای تخصیص منابع مالی بر عملکرد آموزشی گروههای آموزشی دانشگاه تهران، نشان دادهاند، عملکرد آموزشی بین گروه های آموزشی از نظر آماری به طور معناداری متفاوت است. میزان عملکرد آموزشی طی دوره مورد مطالعه افزایش چشمگیری داشته است، هر یک از گروهها روند افزایش عملکرد متفاوتی را تجربه کردهاند، سازوکار تخصیص منابع مالی، عملکرد آموزشی گروهها را بهطور مثبت و معنادار تحت تأثیر قرار می دهند، تغییر سازوکارهای مالی از جمله اخذ شهریه از دانشجویان مشروط در شرایطی که گروه های آموزشی برای تحقق اهداف خود با محدودیت مالی مواجه هستند، تأثیر زیادی بر عملکرد آموزشی دارد و درنهایت اینکه گروه های مذکور به انگیزه های مالی، واکنش مثبت نشان می دهند.

یافته های نادری (۱۳۸۰) در پژوهشی با عنوان توان مالی دولت و سایر راههای تأمین مالی آموزش عالی نشان داده است که، مخارج بخش آموزش عالی تحت تأثیر شدید نوسانات درآمدهای

نفی بوده است، مخارج واقعی به ازاء هر دانشجو، ضمن اینکه با نوسانات زیادی مواجه بوده، به طور کلی کاهش یافته است، با توجه به نقش رو به تکامل آموزش عالی، استمرار تأمین منابع مالی مطابق روال گذشته، با مشکل جدی مواجه خواهد بود، ناکارآمدی تخصیص اعتبارات، قابل توجه است و با افزایش کارایی می توان بخشی از نیازهای مالی را فراهم نمود و توجه بیشتر به منابع مالی غیر از درآمدهای عمومی دولت از جمله مشارکت متقاضیان در تأمین منابع مالی گریز ناپذیر است.

قانون (۱۳۸۰) به استناد شاخص های مختلف نشان داده است که وضعیت مالی بخش آموزش عالی دولتی ایران برای پاسخگویی به تقاضای فزاینده برای آموزش عالی منابع کافی در اختیار ندارد و سهم بودجه آموزش عالی از تولید ناخالص ملی کشور در مقایسه با سایر کشورهای جهان بسیار کم است. وی در ادامه به بررسی راههای تدارک منابع مالی جدید از طریق دانشجویان (وام)، اعطای سند هزینه، طرح پیشپرداخت شهریه، مالیات دانش آموختگان، مالیات بر لیست حقوق و مالیات خاص می پردازد و معتقد است اولین و ساده ترین روش برای کسب درآمد در آموزش عالی ایران از طریق درآمدهای اختصاصی و وضع مالیات های خاص است.

قانون (۱۳۷۵) در پژوهشی معتقد است که، در مسیر تنوع بخشی منابع مالی در بخش آموزش عالی دولتی ایران باید به کسب درآمد از طریق شهریه، فروش خدمات دانشجویی، فروش خدمات پژوهشی و فروش دانش فنی دانشگاهیان و همچنین اجاره دادن فضاهای آموزشی و کمک آموزشی به بخش خصوصی توجه کرد.

نورشاهی (۱۳۷۲) در پژوهشی معتقد است که، اختصاص سهم بیشتری از بودجه عمومی دولت و درآمد ناخالص داخلی به بخش آموزش عالی را از راهکارهای جبران کسری بودجه دانشگاه ها در ایران می داند.

با توجه به مبانی نظری و پیشینه کشورهای دنیا در زمینه مدل های تامین مالی و سرمایه گذاری در آموزش عالی، پژوهش حاضر از طریق بررسی جامع از مدل های تامین مالی و سرمایه گذاری در آموزش عالی، در ابتدا سه سناریو برای سرمایه گذاری در آموزش عالی کشور پیشنهاد داده است. هر کدام از سناریو های مطرح شده نشانگر مدل خاص سرمایه گذاری آموزش عالی می باشد. در مرحله بعد، مکانیسم های تامین مالی در سه مدل سرمایه گذاری پیشنهادی ارائه خواهد شد. در نهایت ضمن در نظر داشتن شرایط کشور مناسب ترین سناریو، مدل سرمایه گذاری و



مکانیسم های تامین مالی ارائه شده آن، انتخاب و مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. با توجه به همه ملاحظات، سوال اساسی پژوهش حاضر این است که، با توجه به شرایط کشور، مناسب ترین مدل سرمایه گذاری آموزش عالی چیست؟

سوالات پژوهش

سوال اول سناریوهای سرمایه گذاری آموزش عالی چیست؟

سوال دوم: مکانیسم تامین مالی در مدل سرمایه گذاری پیشنهادی چیست؟

سوال سوم: راهکارهای تحقق مکانیسم های پیشنهادی چیست؟

روش شناسی پژوهش

بخش اول: تحلیل اسناد

پژوهش حاضر به منظور ارائه مدلی برای سرمایه گذاری در عرصه آموزش عالی کشور از روش تحلیل محتوای کیفی استقرایی استفاده کرده است. به این منظور، پژوهش حاضر با استفاده از اسناد و داده های حاصل از مصاحبه با برخی مسئولین و صاحب نظران، مدلی برای سرمایه گذاری در عرصه آموزش عالی کشور ارائه خواهد کرد. استفاده از رویکرد استقرایی که از آن با عنوان تحلیل محتوای متعارف هم نام برده شده است، بیشتر زمانی ضرورت می یابد که اطلاعات کافی درباره یک پدیده وجود ندارد و محقق می خواهد دانش زمینه ای لازم را از طریق اسناد و داده های حاصل از مصاحبه در این خصوص فراهم کند. این شیوه تحلیل محتوا بیشتر به دنبال تقلیل اطلاعات و ارائه توصیفی دقیق پیرامون یک موضوع است. در این جا هدف تحقیق استقرایی، کمک به پدید آمدن یافته های تحقیق از طریق توجه به مضامین مسلط و متداول در داده هاست (توماس ۱، ۲۰۰۲). این امر بدان معناست که، محقق با رجوع به داده های مورد مطالعه، به تدریج آنها را خلاصه می کند تا در نهایت به اصلی ترین مفاهیم و مضامین مرتبط با موضوع تحقیق دست پیدا کند (تبریزی، ۱۳۹۳). دربخش اول پژوهش، به منظور پاسخگویی به دو سوال اول، از بررسی محتوایی اسناد در پژوهش های موجود استفاده شده

است. مراحل انجام این پژوهش شامل سه مرحله آماده سازی، سازماندهی و گزارش را شامل می شود (هسئو، فانگ و شاننون، ۱، ۲۰۰۵ و الو و کینگاس، ۲، ۲۰۰۷ به نقل از تبریزی، ۱۳۹۳).

آماده سازی شامل، انتخاب موضوع تحقیق و انتخاب واحدهای تحلیل می باشد. با توجه به موضوع تحقیق، محقق در مرحله آماده سازی تصمیم می گیرد. پس از فراهم آوردن این مقدمات می توان به سازماندهی اطلاعات و سپس ارائه گزارش پرداخت. مرحله سازماندهی اطلاعات، از کدگذاری اطلاعات آغاز می شود. محقق با توجه به محتوای هر واحد، مفاهیم گویایی را بدان اطلاق می کند. این مرحله که مرحله کدگذاری اولیه است با گذشت زمان و با مطالعه بیشتر می توان به اصلاح مفاهیم و مضمون های استخراج شده اقدام کرد. با مرور کدهای به دست آمده می توان به کدهایی دست یافت که با عناوین گوناگون تکرار شده و بیش از یک مفهوم را پوشش می دهند. جمع آوری کدهای مشابه در کنار هم، زمینه ایجاد مقولات مستتر در متن را فراهم می آورد. در رویکرد استقرایی، مقولات، زاینده متن هستند و برای ساماندهی مفاهیم و مضامین در قالب مجموعه های معنادار به کار می روند (توماس، ۲۰۰۶ و ویلکینسون و بیرمینگام، ۳، ۲۰۰۳ به نقل از تبریزی، ۱۳۹۳). در قسمت پاسخ به سوالات اول و دوم همین بخش را با سوالات پژوهش همراه و مطابقت بدهید

بخش دوم: مصاحبه با متخصصان

مشارکت کنندگان این پژوهش متخصصان و پژوهشگران حیطه آموزش عالی می باشد. این افراد به واسطه موقعیت خود، ارتباط نزدیکی با مساله پژوهش حاضر داشته و نسبت به نظام آموزش عالی کشور اطلاعات کافی در اختیار دارند. نظر به ضرورت بهره گیری از دیدگاه های افراد شاخص در قلمرو موضوعی تحقیق با استفاده از روش نمونه گیری گلوله برفی افراد واجد شرایط برای مصاحبه انتخاب شدند. پس از مصاحبه هجدهم، اشباع نظری داده ها حاصل گردید، ولیکن در جهت اعتباربخشی به یافته ها، مصاحبه ها تا ۳۰ نفر ادامه یافت. با توجه به نظری بودن نمونه در نهایت از ۳۰ نفر مصاحبه به عمل آمد است. نمونه گیری نظری، شیوه های از جمع آوری داده بر مبنای مفاهیم و موضوعات است که از داده، نشأت می گیرد. نمونه گیری از افراد تا زمانی ادامه یافت که به اشباع نظری برسد. اشباع نظری، هنگامی رخ می

1. Hsieu-Fang & Shannon
2. Elo & Kyngas.
3. Wilkinson & Birmingham



دهد که طبقه تازه ای از داده ها قابل استخراج نیست. در مجموع از مصاحبه با ۳۰ نفر از متخصصان، اشباع اطلاعاتی حاصل شد. متوسط سن پاسخ دهندگان ۴۸ سال، تمامی مشارکت کنندگان دارای مدرک دکتری تخصصی در گرایش های آموزشی (۱۰ نفر)، مدیریت (۱۰ نفر)، بازاریابی (۱۰ نفر) می باشد، متوسط سابقه تدریس آنها ۱۵ سال می باشد، ۵۰ درصد از متخصصین دارای درجه علمی دانشجویی، ۱۰ درصد استادی و ۴۰ درصد دیگر از متخصصین دارای درجه استادیاری می باشند.

جهت گردآوری داده های مورد نیاز از روش مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شده که در ابتدای مصاحبه توضیحات کلی در مورد تحقیق و هدف های آن به مصاحبه شونده ارائه و سپس مصاحبه آغاز می شد. مدت زمان هر مصاحبه بین ۳۰ تا ۴۵ دقیقه بوده و جهت بررسی یی مصاحبه های صورت گرفته از دو روش بررسی همکاران و تطبیق اعضا استفاده گردید. بدین ترتیب گزارش نهایی تحلیل و مقوله های به دست آمده توسط ۶ نفر از متخصصین حوزه آموزش عالی مورد بازبینی و تعدیل قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل مصاحبه ها نیز از روش تحلیل تم استفاده شده است. ابتدا متن هر مصاحبه چند بار خوانده شد و جمله های اصلی آن استخراج و به صورت کدهایی ثبت شد، سپس کدهایی که به لحاظ مفهومی با یکدیگر مشابه بود، به صورت مقوله ها یا دسته هایی تنظیم گردید.

شکل شماره (۱). مدل مفهومی سرمایه گذاری در آموزش عالی.

سناریوهای مطرح شده برای سرمایه گذاری در آموزش عالی، در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

سناریو سوم: آموزش عالی با مسئولیت ترکیبی	سناریو دوم: آموزش عالی به عنوان یک کالای عمومی تحت مسئولیت عمومی	سناریو اول: آموزش عالی به عنوان یک کالای خصوصی تحت مسئولیت خصوصی
وضعیت ایده آل فعل و افعال بین روش های بازار و روش های تصمیم گیری دموکراتیک است.	وضعیت ایده آل است که در بسیاری از سطوح توزیع با روش های تصمیم گیری دموکراتیک اداره شود.	وضعیت ایده آل است که در آن بسیاری از سطوح توزیع با یک روش بازار مانند اداره شود.
تاکید بر تعادل از ترکیبی از خروجی های عمومی و خصوصی.	تاکید بر خروجی های عمومی	تاکید بر خروجی خصوصی
بازار - دولت	دولت	بازار
غیره متمرکز - متمرکز	متمرکز	غیره متمرکز
بازار - بخش خصوصی دولت - بخش عمومی	دولت - بخش عمومی	بازار - بخش خصوصی



سوال اول: سناریوهای سرمایه گذاری آموزش عالی چیست؟

برای پاسخگویی به این سوال پژوهش، با بررسی متون مختلف سناریوهای و دستهبندی های متفاوت از سرمایه گذاری آموزش عالی (کمیسیون دانشجویی اتحادیه اروپا، ۲۰۱۳؛ نیک، ۲۰۱۳؛ سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۰۵؛ سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۰۶؛ برگان و وبر، ۲۰۰۵؛ کمیسیون دانشجویی اتحادیه اروپا، ۲۰۱۶؛ اربو و بن نورث، ۲۰۰۷؛ مولد و ورلی، ۲۰۰۸؛ دانشگاه های انگلستان، ۲۰۰۹؛ گادارد، ۲۰۰۵؛ مارگینسون، ۲۰۰۷؛ بیروت و اورلیجا، ۲۰۱۰؛ دامستر، ۲۰۱۶ و میلوژ و اسلادانا، ۲۰۱۳)، در نهایت سه سناریو اصلی از کد بندی انجام شده استخراج شده است. در مرحله بعد، با استفاده از فن تحلیل تم های به دست آمده از سه سناریو منتخب، برای هر کدام از سناریو ها، نوع نگاه به آموزش عالی، رویکرد، سازمان متولی، خروجی، نقاط قوت و ضعف آن نیز مشخص شده است. بنابراین، در هر سناریو مطرح شده، زمینه اصلی سیاسی و ایدئولوژیکی که در آن سناریو تعبیه شده است، روشن شده، سپس، توضیح برخی مفروضات کلیدی، نقاط قوت و ضعف برای توسعه هر سناریو، مورد توجه قرار گرفته است.

سناریو اول

آموزش عالی را به عنوان کالای خصوصی در نظر گرفته که سازمانها و نهادهای خصوصی آن را اداره کرده و دولت در آن هیچ دخالتی نمی کند. در این سناریو تاکید بر ویژگی های خصوصی

- 1 . The European Students' Union
- 2 . Nik
- 3 . Bergan and Weber
- 4 . The European Students' Union
- 5 . Arbo & Benneworth
- 6 . Universities UK
- 7 . Goddard,
- 8 . Marginson
- 9 . Birutė and Pūraitė

و شخصی فرد در ابعاد ورودی و خروجی می باشد. مکانیسم توزیع در این سناریو توسط بازار در عرصه خصوصی صورت می گیرد. این سناریو در سیستم های آموزش عالی غیرمتمرکز و ایالتی مطرح است. در این سیستم با وجود اداره شدن توسط ملاحظات بازاری در عرصه بازار خصوصی، نمی توان از تاثیر نفوذهای سیاسی در این مورد غافل شد. برخی از مفروضات اساسی که برای توسعه این سناریو لازم است به شرح ذیل می باشد: افراد به عنوان ذی نفعان اصلی آموزش عالی شناخته می شوند؛ مدرک تحصیلی بالاتر، درآمد بالاتری در پی خواهد داشت؛ آموزش عالی به عنوان کالایی خصوصی مطرح می باشد و شخص باید خود هزینه آن را بپردازد. در این صورت دسترسی به آموزش عالی خود به خود تنظیم می شود؛ خروجی های پژوهش ها، به عنوان کالاهایی مطرح می باشد که، برای اطمینان از دانش تولید شده توسط موسسات آموزش عالی، از طریق حقوق مالکیت معنوی دقیقی محافظت می شود؛ یک بازار واقعی، منصفانه، متنوع و رقابت پذیر برای محصولات دانش بنیان ایجاد می شود؛ کارآفرینی خصوصی در این بازار در توزیع محصولات، تولیدات و خدمات، در جذب سرمایه انسانی و جذب سرمایه گذاران رقابت می کند؛ توزیع منابع بین موسسات آموزش عالی و نیز توزیع محصولات دانش از طریق عملکرد آزاد نیروهای بازار تنظیم می شود؛ دخالت دولت در آموزش عالی محدود است. نقش دولت محدود به روش های تضمین کیفیت خارجی است؛ خصوصی سازی به صورت گسترده ای از نتایج آموزش عالی از منظر نتولیرالی مورد بحث قرار می گیرد، و بازار به طور طبیعی بهترین راه برای توزیع کالاهای خصوصی است؛ با توجه به مشارکت در آموزش عالی، گفتمان نتولیرالی در مقایسه با مزایای اجتماعی تأکید زیادی بر منافع شخصی دارد؛ توزیع بودجه از طریق مکانیسم های بازار صورت می گیرد.

نقاط قوت

۱- دانشجویان به عنوان مشتریان در نظر گرفته می شوند، بنابراین با قدرت تصمیم گیری بیشتری در مورد برنامه درسی و آموزشی خود و انتخاب ماژول هایی که می خواهند مطالعه کنند، دارا می باشند ۲- موسسات آموزش عالی باید در بازار رقابت و کیفیت، آموزش و یادگیری خود را بهبود بخشند، زیرا تنها بهترین برنامه های آموزشی موفق تر جامعه هدف بیشتری را جذب خواهند کرد ۳- افزایش کیفیت کلی مهارت های ارائه شده به دانشجویان برای موفق شدن در حرفه و شغل آینده خود ۴- تمامی ذی نفعان می توانند مستقیماً در فرایندهای تصمیم گیری های آموزش عالی خود به عنوان مصرف کننده شرکت کنند ۵- دسترسی به سرمایه بهتر



به علت وجود محیط کارآفرینی ۶- نابرابری ها در توزیع دانش متعادل تر می شوند، زیرا دانشجویان از کشورهای غیر صنعتی و استعماری سابق، امکان دسترسی پیدا کرده، و به همین ترتیب به درجه ها و دانش دانشگاه های سراسر جهان می رسند.

نقاط ضعف

۱- دانشجویان به عنوان مصرف کننده در نظر گرفته می شوند، بنابراین، مزایای فردی و منافع آنها را در جهت دستور کار آموزشی و برنامه درسی بکار می گیرند ۲- موسسات آموزش عالی تمایل دارند واکنش بیشتری به کسانی که می توانند سرمایه بیشتری را جذب کنند، داشته باشند. موسسات آموزش عالی در رقابت برای سرمایه، خدمات خود را به نیازهای گروه های هدف انتخاب می کنند که می تواند هزینه های تحصیل و یا افزایش اعتبار نهادی را افزایش دهد. بنابراین، گروه های بدون دسترسی سرمایه، به حاشیه رانده می شوند ۳- کیفیت مهارت هایی که دانشجویان برای آینده خود به دست آورده اند، جامع، و منعطف نبوده و در برخی از موارد از بین می روند. سرمایه گذاران خصوصی بیشتر در سازگاری آن با نیازهای بازار، بیشتر از دانشجویان با مهارت های ویژه ای استفاده کرده که این مورد با جامعیت و انعطاف مهارتی دانشجویان ناسازگار می باشد. بنابراین، دانشجویان نمی توانند به تغییر در مهارت های مورد نیاز برای حرفه های آینده خود به دلیل تعهد خود به سرمایه گذاری، واکنش نشان دهند ۴- تاکید بیشتر بر روی قابلیت اشتغال قرار می گیرد. بنابراین، دانشجویان بیشتر به رشته هایی که، آینده شغلی و یا به تعبیری کلی تر، بازار کار بهتری برخوردارند، تمایل دارند. بنابراین، انتخاب رشته تحصیلی مبتنی بر بازده تخمینی سرمایه گذاری یا حقوق و دستمزد فارغ التحصیل بوده و می تواند تبعات زیادی را در سیستم آموزش عالی داشته باشد ۵- دسترسی به آموزش عالی محدود به کسانی است که می توانند هزینه آن را بپردازند. نابرابری در سیستم آموزش عالی رخ داده و به تبع آن شکاف طبقاتی در جامعه بیشتر می شود ۶- جایی که بورس تحصیلی صرفاً بر اساس عملکرد تحصیلی دانشجویان ارائه می شود، دانشجویان با زمینه های محروم و یا مدارس نامطلوب، از شانس کمتری بهره مند هستند ۷- آزادی آکادمیک دانشجویان مورد تهدید قرار می گیرد ۸- کسب اشتغال برای فارغ التحصیلان دشوار است، زیرا بازار کار بیشتر برای دانشجویانی

که دارای مدارک علمی، فنی، مهندسی و ریاضی هستند، بیشتر تمرکز می کند ۹- رشته های علوم انسانی به حاشیه رانده می شود.

سناریو دوم

آموزش عالی به عنوان کالایی عمومی و تحت مسئولیت عمومی در نظر گرفته شده است. در این سناریو وظیفه ارائه آموزش عالی توسط دولت حاکم تعریف شده و در ورودی و خروجی آن تاکید بر عمومی بودن آموزش عالی می باشد. سازمان توزیع در این سناریو، با روش تصمیم گیری دموکراتیک عمل می کند و بیشتر در نظام های آموزش عالی متمرکز مطرح است. در این مدل بروکراسی اداری به نحو کامل اجرا می شود. علاوه بر این، دولت تمامی قوانین، مقررات، سازمان و نیروی انسانی را خود تعیین نموده و سیاست های و جهت گیری های آموزش عالی را خود بر عهده دارد. برخی از مفروضات اساسی لازم برای توسعه این سناریو به شرح ذیل می باشد: آموزش عالی به عنوان یک مسئولیت دولتی و عمومی مورد توجه قرار گیرد؛ مفهوم کالاهای عمومی از تجزیه و تحلیل اقتصادی نقش دولت در تخصیص منابع حکایت دارد؛ کالاهای عمومی با دو ویژگی تعریف می شوند، عدم تعویض و غیره رقابتی بودن. عدم تعویض به معنای: غیرممکن است که غیرقابل استفاده شود، غیر رقابتی در مصرف به این معنا می باشد که، افرادی که اضافی مصرف می کنند، به نفع دیگران نیست؛ آموزش عالی به عنوان یک مسئولیت عمومی و دولتی مطرح می شود. دولت آموزش عالی را از طریق درآمدهای مالیاتی، تأمین مالی می کند، به طوری که دانشجویان هیچ هزینه ای جهت تحصیل در زمان اشتغال به تحصیل یا پس از فارغ التحصیلی پرداخت نمی کنند. این روند، چرخه ای است که به موجب آن از حقوق و دستمزد فارغ التحصیلان مالیات گرفته می شود و برای نسل های آینده تأمین مالی می شود؛ دسترسی برابر به آموزش عالی بدون در نظر گرفتن زمینه های اجتماعی و اقتصادی اهمیت کلیدی دارد. تحرک اجتماعی هدف اصلی آموزش عالی است؛ دولت به عنوان تنها مؤسس، دارای سطح معینی از کنترل است، یعنی نهادها به طور کامل مستقل نیستند (درجه خودمختاری ممکن است بسته به شرایط ملی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره متفاوت باشد)، بنابراین، بر آزادی آکادمیک تاثیر می گذارد؛ آزادی آکادمیک در محیط های دانشگاهی توسط گروه های فشار یا دولت به خطر نمی افتد.

نقاط قوت

۱- حمایت مالی از دانشجویان، به آنان اجازه می دهد تا زمان بیشتری برای تمرکز بر مطالعات خود داشته باشند ۲- فرصت های بیشتری برای دانشجویان بالقوه مستعد، برای ورود به عرصه آموزش عالی وجود دارد ۳- نوع نگاه به توسعه آموزش عالی، نگاه فرهنگی می باشد ۴- تعهد دولت برای تأمین مالی، موسسات آموزش عالی را قادر می سازد تا تأکید بیشتری بر تدریس و پژوهش داشته و با جذب منابع مالی از طریق منابع خصوصی مقابله کند ۵- همبستگی مثبت بین سطوح سرمایه گذاری عمومی و سطح مشارکت در آموزش عالی وجود دارد ۶- توسعه اقتصادی و اجتماعی متعادل و انعطاف پذیر است ۷- به انسجام اجتماعی و انعطاف پذیری کمک می کند ۸- مشارکت فعال در جوامع، دموکراتیک است.

نقاط ضعف

۱- بحران اقتصادی دولت ها با تأمین مالی بیشتر برای موسسات آموزشی با توجه به روند رو به رشد آن، بیشتر خواهد شد ۲- آزادی علمی آموزش عالی محدود شده و دانشگاه نمی تواند قدرت و نفوذ دولت مرکزی در امور آموزش عالی را کنترل کند که این به نوبه خود باعث کاهش شدید افت علمی آموزش عالی می شود ۳- استقلال نهادی موسسات آموزش عالی و دانشگاه ها از بین خواهد رفت ۴- منابع مالی هدر رفته، سطح بهره وری، اثربخشی و کارایی آموزش عالی کاهش خواهد یافت ۵- اشتغال دانشجویان در برخی از رشته ها به طور ویژه رشته های علوم انسانی و هنر ضعیف می باشد ۶- روند مدیریت دانشگاه، قالبی و یک نواخت خواهد شد ۷- در صورت هماهنگ نشدن با سیاست های توسعه در دیگر بخش ها، باعث افزایش نرخ بیکاری و در نتیجه معضلات متنوع در جامعه خواهد شد.

سناریو سوم

آموزش عالی به عنوان ترکیبی از کالاهای عمومی و خصوصی مطرح می باشد. در این سناریو وضعیت ایده آل را ترکیبی از فعل و انفعال بین روش های بازار و روش های تصمیم گیری دموکراتیک می داند. در این سناریو آموزش عالی به عنوان مسئولیتی ترکیبی و از آن به عنوان مدل دانشگاه یا دانشکده ای یاد می شود. بنابراین، سازمان متولی در این سناریو ترکیبی از دو مدل اخیر می باشد. به تبع نظام سازمانی توزیع، در خروجی این سناریو با تأکید بر تعادل، ترکیبی از خروجی های عمومی و خصوصی مطرح می باشد. در این صورت دولت به دانشگاه یارانه داده

و در عوض دولت از موسسات آموزش عالی توقعاتی را نیز دارا می باشد. این مدل بر اساس دو اصل ایده سنتی وابستگی مالی موسسات آموزش عالی و اعتماد به رابطه بین دولت و دانشگاه ها استوار می باشد. اگر چه در این مدل دولت به عنوان حاکم اصلی می باشد، با این جود، دولت به دانشگاه ها اختیار نحوی دخل و خرج آن را به خود دانشگاه واگذار یا به تعبیری دیگر، مسئولیت برای توزیع مناسب و بهره مندی موثر منابع به این بخش داده می شود. همچنین، به دانشگاه ها اختیار برای جذب اعتبار از دیگر منابع را تفویض کرده است. در مدل ترکیبی، همبستگی بین روش تأمین مالی انتخاب شده و کیفیت آموزش عالی برقرار می باشد. مفروضات اساسی، نقاط قوت و ضعف های این سناریو ترکیبی از دو سناریو قبلی می باشد. در ادامه، سناریوهای مطرح شده برای سرمایه گذاری در آموزش عالی، در جدول شماره ۲ ارائه شده است.



سوال دوم: مکانیسم تامین مالی در مدل سرمایه گذاری پیشنهادی چیست؟

نظر به ارائه سه سناریو برای سرمایه گذاری در آموزش عالی، در این بخش از پژوهش برای هر یک از سناریوهای مطرح شده مکانیسم تامین مالی ارائه شده است. مکانیسم های ارائه شده، با بررسی دقیق از سیستم های آموزش عالی موفق دنیا و همچنین از طریق بانک های اطلاعاتی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، بانک جهانی، موسسه بین المللی برنامه ریزی آموزشی، کمیسون آموزش اتحادیه اروپا، انجمن آموزش عالی آمریکا، صندوق بین المللی پول و دیگر پایگاه های داده ای به دست آمده است. در جدول ذیل هر یک از سناریوهای مطرح شده برای سرمایه گذاری آموزش عالی تحت عنوان مولفه دسته بندی و در مرحله بعد مکانیسم های تامین مالی هر کدام با ذکر منبع بیان شده است.



هدف اساسی سوال حاضر این است که مهمترین مکانیسم های پیشنهادی برای مدل سرمایه گذاری پیشنهادی چیست. با توجه سوال شماره اول و انتخاب سناریو شماره سوم یعنی سناریو ترکیبی به عنوان منتخب پژوهش و هدف اساسی این سوال پژوهش، مهمترین مکانیسم های پیشنهادی برای سناریو انتخابی ارائه می شود. مکانیسم های ارائه شده، با بررسی دقیق از سیستم های آموزش عالی موفق دنیا و همچنین از طریق بانک های اطلاعاتی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، بانک جهانی، موسسه بین المللی برنامه ریزی آموزشی، کمیسیون آموزش اتحادیه اروپا، انجمن آموزش عالی آمریکا، صندوق بین المللی پول و دیگر پایگاه های داده ای به دست آمده است.

بنابراین، در سناریو سوم، آموزش عالی به عنوان ترکیبی از کالاهای عمومی و خصوصی در نظر گرفته شده که به صورت مشترک توسط دولت و عملکرد سیستم بازار محور اداره می شود. مطابق با این سناریو، مدل آموزش عالی را مدل دانشگاه می نامند. در مدل دانشگاه، سرمایه گذاری و تامین مالی مشترکاً توسط دولت و بازار (دانشگاه) اداره خواهد شد. مدل حاضر به عنوان مرحله ای تبدیلی قلمداد می گردد که سیستم آموزش عالی از مدل دولتی به مدل بازار محور تبدیل می گردد. با توجه به بررسی منابع صورت گرفته، مهمترین مکانیسم های تامین مالی در مدل سرمایه گذاری آموزش عالی دولتی، به شرح ذیل می باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



جدول شماره (۳) مکانیسم تامین مالی در مدل های سرمایه گذاری پیشنهادی

منبع	زیر مولفه
(رودلا و همکاران، ۲۰۱۵).	بودجه بندی دانشگاهی بر مبنای پروژه های تحقیقاتی
(لئو، ۲۰۱۲)، (منار، ۲۰۰۹).	استانداردسازی نظم اقتصادی در دانشکده ها و دانشگاه ها
(سازمان همکاری توسعه اقتصادی، ۲۰۰۶)، (کمیسیون دانشجویی اتحادیه اروپا، ۲۰۱۳)، (نیک، ۲۰۱۳).	بودجه مبتنی بر عملکرد
(کمیسیون دانشجویی اتحادیه اروپا، ۲۰۱۳)، (نیک، ۲۰۱۳)، (گالبرایت، ۲۰۱۳).	تضمین کیفیت بیرونی توسط دولت
(لئو، ۲۰۱۲)، (دامستر، ۲۰۱۶)، (آلا، ۲۰۱۵).	استفاده از نوآوری به عنوان شرط بودجه بندی
(میلوز و اسلادانا، ۲۰۱۳)	تجزیه و تحلیل پیامدهای کوتاه، متوسط و طولانی مدت تامین مالی
(بیروت و اورلیجا، ۲۰۱۰)، (آنا، ۲۰۱۴).	دولت به دانشگاه یارانه داده
(بیروت و اورلیجا، ۲۰۱۰)	وابستگی مالی نسبی موسسات آموزش عالی به دولت
(بیروت و اورلیجا، ۲۰۱۰).	اعتماد به رابطه مالی بین دولت و دانشگاه ها
(آژانس اروپایی مدرنیزه کردن آموزش عالی، ۲۰۱۰)	دانشگاه تصمیم گیرنده، اما سقف تعیین شده توسط دولت
(آژانس اروپایی مدرنیزه کردن آموزش عالی، ۲۰۱۰)	فروش املاک و مستغلات به مجوز مقامات دولتی نیاز دارد
(پریتچارد و همکاران، ۲۰۱۶)، (میلوز و اسلادانا، ۲۰۱۳)، (دادگاه اروپایی ممیز حسابرسان اتحادیه اروپا، ۲۰۱۶)، (منار، ۲۰۰۹).	تخصیص وام به دانشجویان برای افزایش ثبت نام
(بیروت و اورلیجا، ۲۰۱۰)، (پریتچارد و همکاران، ۲۰۱۶)	دولت به دانشگاه ها اختیار نحوی دخل و خرج خود را واگذار
(بیروت و اورلیجا، ۲۰۱۰)، (پریتچارد و همکاران، ۲۰۱۶)	مسئولیت توزیع مناسب و بهره مندی موثر منابع به عهده دانشگاه
(بیروت و اورلیجا، ۲۰۱۰)، (دادگاه اروپایی ممیز حسابرسان اتحادیه اروپا، ۲۰۱۶).	تفویض اختیار به دانشگاه ها برای جذب اعتبار از دیگر منابع
(بیروت و اورلیجا، ۲۰۱۰)، (پریتچارد و همکاران، ۲۰۱۶)، (منار، ۲۰۰۹).	کنترل، نظارت، ارزیابی، استقلال دانشگاهی نقش موثر در این مدل دارد
(دفتر اجرایی آموزش عالی دولت مرکزی آمریکا، ۲۰۱۷)	تخصیص های ملی از طریق دولت مرکزی و محلی
(کمیسیون دانشجویی اتحادیه اروپا، ۲۰۱۳)، (نیک، ۲۰۱۳)، (کمیسیون اتحادیه اروپا، ۲۰۱۷)	افزایش کیفیت کلی مهارت های ارائه شده به دانشجویان برای کسب درآمد
(میلوز و اسلادانا، ۲۰۱۳)، (دادگاه اروپایی ممیز حسابرسان اتحادیه اروپا، ۲۰۱۶).	سیستم مالیات یارانه
(دادگاه اروپایی ممیز حسابرسان اتحادیه اروپا، ۲۰۱۶).	دانشگاه ها حق تعیین مبلغ هزینه تحصیل دارند، اما در اکثر کشورها این امر نباید کمتر از هزینه واقعی آموزش برای هر دانش آموز باشد
(دادگاه اروپایی ممیز حسابرسان اتحادیه اروپا، ۲۰۱۶)، (پریتچارد و همکاران، ۲۰۱۶)	همه دانشگاه ها، صرف نظر از سهم درآمد حاصل از دولت، منابع مالی خصوصی نیز دارند
(لئو، ۲۰۱۲)، (دادگاه اروپایی ممیز حسابرسان اتحادیه اروپا، ۲۰۱۶)، (پریتچارد و همکاران، ۲۰۱۶)	ساخت سیستم کنترل مالی داخلی مالی
(گالبرایت، ۲۰۱۳)	کاهش استانداردهای ورود به دانشگاه برای افزایش ثبت نام
(بیروت و اورلیجا، ۲۰۱۰)	ترغیب بخش خصوصی و شرکت ها برای سرمایه گذاری
(کمیسیون اتحادیه اروپا، ۲۰۱۷)	توسعه دیپلماسی در سیستم های آموزش عالی
(دفتر اجرایی آموزش عالی دولت مرکزی آمریکا، ۲۰۱۷)	تخصیص مالیات محلی
(کمیسیون دانشجویی اتحادیه اروپا، ۲۰۱۳)، (نیک، ۲۰۱۳).	خصوصی سازی
(لئو، ۲۰۱۲)، (دامستر، ۲۰۱۶).	پایندی به مردم و در اولویت قرار دادن خدمت به آنها
(لئو، ۲۰۱۲).	پیروی از مدیریت مالی علمی و گسترش منابع مالی
(کمیسیون اتحادیه اروپا، ۲۰۱۷)، (آنا، ۲۰۱۴)، (آژانس اروپایی مدرنیزه کردن آموزش عالی، ۲۰۱۰)، (پریتچارد و همکاران، ۲۰۱۶)	مدرنیزه کردن آموزش عالی،
(کمیسیون اتحادیه اروپا، ۲۰۱۷)	تشویق و حمایت از مشارکت بخش خصوصی، انجمن ها و نهادهای مردمی
(کمیسیون اتحادیه اروپا، ۲۰۱۷)، (آنا، ۲۰۱۴).	مهندسی ساختار قوانین مالی، اداری

مدل دانشگاه یا دانشکده ای ترکیبی

ارتقاء سطح بین الملل سازی آموزش عالی	(کمیسیون اتحادیه اروپا، ۲۰۱۷)
ترویج تنوع منابع مالی	(ارینا و ارینز، ۲۰۱۵)، (پریتچارد و همکاران، ۲۰۱۶)
ایجاد همکاری میان موسسات تحقیقاتی دیگر نهادهای دولتی و غیره دولتی	(ارینا و ارینز، ۲۰۱۵)، (پریتچارد و همکاران، ۲۰۱۶)
دخالت دادن تمامی ذی نفعان در امور دانشگاه	(زماس، ۲۰۱۵)، (دادگاه اروپایی ممیز حسابسان اتحادیه اروپا، ۲۰۱۶)
ارتقاء سطح استقلال در مدیریت منابع مالی	(ارینا و ارینز، ۲۰۱۵)
نوسازی، اصلاح آموزش عالی،	(زماس، ۲۰۱۵)

سوال سوم: راهکارهای تحقق مکانیسم های پیشنهادی چیست؟

مطابق با مصاحبه های به عمل آمده از متخصصان و صاحب نظران، راهکارهای تحقق مکانیسم های پیشنهادی به منظور ارائه مدلی برای سرمایه گذاری در آموزش عالی کشور شامل دو مولفه "اصلاحات ساختار سازمانی" و "اصلاحات ساختار وظیفه ای" تقسیم بندی شده است. به طور کلی هدف اصلی اصلاحات ساختاری در آموزش عالی، جذب سرمایه مالی آموزش عالی از طریق بازار آزاد و یا بخش خصوصی می باشد. این اصلاحات در دو بخش اصلاحات ساختار وظیفه ای و اصلاحات در ساختار سازمانی آموزش عالی صورت می گیرد. ترتیب کار بدین نحو است که با

انجام این دو اصلاحات در ساختار آموزش عالی، دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی به طور سازمانی و وظیفه ای از استقلال سازمانی و نهادی برخوردار شده و از طریق مکانیسم های بازار آزاد و بخش خصوصی تامین اعتبار مالی و سرمایه گذاری صورت می گیرد.

اصلاحات ساختاری سازمانی در واقع تشکیلات، فرایندها و فناوری اطلاعات، نیروی انسانی و قوانین و مقررات می باشند که کارایی یا عدم کارایی هر یک از عوامل فوق بر عملکرد سایر عوامل و در نهایت سیاست های آموزش عالی تاثیر گذار است. اصلاح ساختار وظیفه ای آموزش عالی، سیاستگذاری، ماهیت، نوع، کارکردها و روش های آموزش عالی کشور می باشد. از دل مصاحبه های به عمل آمده، مهمترین مقوله های زیر مولفه های هر کدام از دو مولفه نهایی به شرح ذیل می باشند.

در زمینه اصلاحات ساختار سازمانی آموزش عالی، به منظور ارائه مدلی برای سرمایه گذاری در آموزش عالی کشور، اصلاح امور آموزشی و درسی را باید به عنوان یکی از مهمترین پیش بایست ها برای اصلاح ساختار سازمانی در نظر گرفت. امور آموزشی و پژوهشی شامل تمامی

محتوا، روش، ابزار، تجهیزات و فنون ارزشیابی می باشد. همه این موارد باید در راستای بازار کار بوده و نشأت گرفته از نیازهای بازار کار و ملزومات آن باشد و از طرفی بتواند پایه و اساس لازم را به عنوان دانشگاه مستقل دارد تا بتواند در بازار کار جذب سرمایه را داشته باشد. بنابراین، سیستم آموزش عالی باید ضمن آسیب شناسی از وضع موجود امور آموزشی و درسی و میزان تناسب آن با ملزومات بازار کار، به دید جامعی در این زمینه دست یافته و با ایجاد اصلاحات در امور مربوطه، زمینه را برای آموزش عالی بازار محور، فراهم آورد.

اصلاح امور پژوهشی و فناوری از امور مهم دیگری می باشد که باید ضمن شناسایی قوانین مربوطه زمینه را برای پویایی این قوانین در ارتباط با بازار کار فراهم کرد. امور پژوهشی در سیستم آموزش عالی به عنوان مبانی می باشد که نیازهای بازار کار را در زمینه های مختلف شناسایی می کند. علاوه بر این امور پژوهشی به عنوان مبنایی برای توسعه، توانمندسازی، گسترش و وسعت دید دانشجویان در بازار کار می باشد. در ادامه اصلاح امور فناوری و بهره گیری از فناوری ها در ارتباط با آموزش عالی و بازار کار، به عنوان دیگر مولفه هایی بود که در آموزش عالی بازار محور باید در نظر گرفته شود. از جمله مولفه های دیگری که در ارتباط با بازار کار باید در نظر داشت، اصلاح امور اداری می باشد. نتایج به دست آمده تاکید دارد که، باید ضعف های اداری موجود در ارتباط بازار کار و آموزش عالی را شناسایی کرده و اقدام به مهندسی مجدد امور اداری جهت هماهنگی و تسهیل ارتباط آموزش عالی و بازار کار را مهیا کرد. همچنین، مقوله محدودیت های مالی از جمله مهمترین مقوله های دیگر می باشد که باید ضمن رفع موانع موجود، تامین مالی لازم را فراهم و باعث تحرک علمی در این موضوع شود. مقوله دیگر که در جریان مصاحبه مورد شناسایی قرار گرفت، اصلاح امور دانشجویی می باشد. دانشجویان به عنوان مشتریان اصلی آموزش عالی می باشند و تولیدات آنها به عنوان جریان اصلی در دانشگاه به شمار می آید. بنابراین، لازم است تا تمامی امور دانشجویان در ارتباط با بازار کار در نظر گرفته شده و عرصه را بر آنها گشود.

دیگر راهبرد به دست آمده برای اصلاح ساختار آموزش عالی بازار محور، اصلاح ساختار وظیفه ای آموزش عالی می باشد. اعتقاد متخصصان و صاحب نظران بر این است که با توجه به ماهیت ویژه آموزش عالی و از طرفی دیگر، نوع حکومت داری دولت مدار و متمرکز بودن آموزش عالی کشور، جهت ارائه مدلی برای سرمایه گذاری در آموزش عالی کشور، ضرورت دارد تا درساختار وظیفه ای آموزش عالی نیز اصلاحاتی صورت گیرد. به اعتقاد متخصصان، آموزش عالی باید

برای هماهنگی و اتخاذ رویکرد متناسب با بازار کار، باید در اساس، ماهیت، نوع، کارکردها و روش های خود نیز اصلاحاتی را انجام دهند. در ادامه، با توجه به مصاحبه های به عمل آمده، مقوله هایی برای اصلاح ساختار وظیفه ای ارائه می گردد.

مهمترین مقوله به دست آمده برای اصلاح ساختار وظیفه ای آموزش عالی که تاکید بسیاری بر روی آن شده و بیشترین کدهای باز را به خود اختصاص داده، سیاستگذاری آموزش عالی می باشد. دلیل اهمیت آن به گونه است که در فرایند سیاستگذاری، اولویت ها، جهت ها، رویکردها و وظیفه اصلی آموزش عالی مشخص می شود، بنابراین، ضرورت دارد در ابتدا، سیاستگذاری آموزش عالی، وظیفه اصلی آموزش عالی را بر محور بازار کار و ملزومات آن تنظیم نماید و برای تحقق آن برنامه ریزی نماید.

یکی دیگر از مقوله های مهم که باید برای اصلاحات ساختار وظیفه ای آموزش عالی در نظر داشت، تاسیس دانشگاه کارآفرین می باشد. به اعتقاد آنها، دانشگاه کارآفرین در صدد تربیت افراد با توانایی راه اندازی کسب و کارهای کارآفرینانه، تجاری سازی یافته های پژوهش دانشگاهی و به تبع آن ارتباط دانشگاه با تمامی بخش های اقتصاد و جامعه، است. بنابراین، دانشگاه کارآفرین به عنوان یکی از مهمترین ابزارهایی می باشد که ساختار وظیفه ای آموزش عالی را بنا بر ماهیت و کارکرد اصلی خود، به سمت بازار کار هدایت می کند و زمینه را برای همسویی سیاست های آموزش عالی با سیاست های بازار کار فراهم می کند.

از جمله مهمترین مقوله های دیگر که باید برای اصلاحات در ساختار آموزش عالی مبتنی بر بازار کار در نظر گرفت، استانداردسازی سرمایه های انسانی می باشد. استانداردسازی فرایندی طولانی مدت می باشد که در طی زمان بر کیفیت برون داد آموزش عالی و به تبع آن بازار کار نیز تاثیر چشمگیری خواهد داشت. بنابراین، دست اندرکاران آموزش عالی، باید استانداردسازی نیروی انسانی را به عنوان یکی از کارکرد ها و وظایف خود در نظر گرفته و عملیاتی کنند.

آمایش آموزش عالی هم به عنوان یکی دیگر از مهمترین مقوله هایی می باشد که باید برای اصلاح ساختار وظیفه ای آموزش عالی مد نظر قرار گیرد. منظور از آمایش آموزش عالی و نقش آن در اصلاح ساختار وظیفه ای آموزش عالی بازار محور، این است که با هدف مأموریت‌گرایی در آموزش عالی و سوق دادن فعالیت دانشگاه ها در جهت استفاده بهینه از قابلیت ها و توانمندی های استان ها و مناطق مختلف کشور در جهت رشد و توسعه همه جانبه آنها می باشد. بنابراین،

شایسته است دست اندرکاران آموزش عالی کشور، آمایش آموزش عالی را به عنوان یکی از مهمترین بایدها در توسعه و گسترش آموزش عالی در نظر داشته باشند.

عصر حاضر عصر نوآوری و تکنولوژی نامیده شده است. نوآوری و تکنولوژی در تمامی زمینه ها نفوذ پیدا کرده و باعث تحول در کارکرد ها و وظایف آنها شده است. آموزش عالی هم به عنوان یکی از مهمترین بخش های جامعه از این تاثیر، مستثنی نمی باشد. بنابراین، دست اندرکاران آموزش عالی باید با استفاده از دست آوردها و ظرفیت های نوآوری و تکنولوژی، زمینه ساز توسعه، بهره وری، کارایی و بهبود آموزش عالی بازار کار مدار شود.

مقوله دیگر که در اصلاحات ساختار وظیفه ای آموزش عالی به آن اشاره شده است، تقویت سرمایه فکری و انسانی می باشد. از جمله، دلایل مهم بودن این مقوله از نظر متخصصان و صاحب نظران، می توان به اهمیت ویژه توسعه سرمایه فکری در ایجاد مزیت رقابت پایدار، بهبود فضای آموزش عالی و کسب و کار و در نهایت خروجی نهایی کارا و اثربخش آموزش عالی و بازار کار اشاره داشت.

مدیریت دانش از جمله مهمترین مقوله های اصلاح ساختار وظیفه ای آموزش عالی می باشد که از مصاحبه با متخصصان و صاحب نظران به دست آمده است. دلیل اهمیت این مقوله را می توان در خاصیت ها و استراتژی های مدیریت دانش در هماهنگی میان تولید، انتقال و توسعه دانش به دست آمده در آموزش عالی و بکارگیری آن در فضای کسب و کار دانست. بنابراین، سیستم آموزش عالی باید کارکرد مدیریت دانش را به عنوان یکی از مهمترین استراتژی های اصلاح ساختار وظیفه ای خود پذیرفته و نهادینه نماید.

از دیدگاه متخصصان و صاحب نظران، توسعه زیر ساخت ها به عنوان دیگر مقوله مهم در جریان اصلاح ساختار وظیفه ای آموزش عالی بازار کار مدار می باشد. بنابراین، دست اندرکاران آموزش عالی، باید توسعه زیرساخت های سرمایه ای، الکترونیکی، و زیربنایی آموزش عالی را متناسب با کارکردهای آموزش عالی و بازار کار اصلاح و بازسازی نمایند.

یکی دیگر از مهمترین استراتژی هایی که باید به عنوان کارکردی مهم در جریان اصلاح ساختار وظیفه ای آموزش عالی در نظر گرفته شود، توسعه دیپلماسی علم و فناوری می باشد. موضوع اصلی دیپلماسی علم و فناوری استفاده از ظرفیت های علم و فناوری برای تحقق اهداف سیاست خارجی و استفاده از ظرفیت های دیپلماتیک در جهت رشد و توسعه علم و فناوری کشور می

باشد. به تعبیری دیگر، با استفاده از ظرفیت های بالقوه این مقوله می توان برای توسعه کسب و کار در آموزش عالی و از طرفی دیگر بهبود خروجی های آموزش عالی زمینه سازی کرد. بنابراین، با توجه به اهمیت ویژه این مقوله، لازم است در فرایند اصلاح ساختار وظیفه ای آموزش عالی در نظر گرفته شده و تدابیر لازم برای استفاده از ظرفیت های بالقوه دیپلماسی علم و فناوری بکار گرفته شود.

تدوین نظام حقوقی و دارایی های فکری به عنوان مقوله ای دیگر می باشد که متخصصان و صاحب نظران، آن را به عنوان عامل مهم در اصلاح ساختار وظیفه ای آموزش عالی پیشنهاد داده اند. بنا بر عقیده آنها، برای اصلاح ساختار وظیفه ای آموزش عالی متناسب با بازار کار، ضرورت دارد نظام حقوقی و دارایی های فکری به عنوان استراتژی امنیت، تضمین و ثبات دستاوردها و یافته ها در درون سیستم آموزش عالی و بازار کار، در نظر گرفته شود. بنابراین، سیستم آموزش عالی باید تدوین نظام حقوقی و دارایی های فکری را به عنوان وظیفه و کارکرد حقوقی خود در جریان سرمایه گذاری در آموزش عالی کشور در نظر گرفته و عملیاتی سازد.

مقوله بازاریابی آموزش عالی از دیدگاه متخصصان و صاحب نظران به عنوان عامل دیگری می باشد که در جریان اصلاح ساختار وظیفه ای آموزش عالی باید در نظر گرفته شود. بنا بر عقیده متخصصان و صاحب نظران، این استراتژی نقش کلیدی را در جریان شناسایی نیازهای بازار کار و دستیابی آموزش عالی به جامعه هدف و در نتیجه پویایی آموزش عالی در ارتباط با جامعه بیرون دارد. بنابراین، دست اندرکاران آموزش عالی باید، در جریان اصلاح ساختار آموزش عالی، این فرایند را به عنوان یکی از وظایف و کارکردهای مهم خود در نظر گرفته تا بتواند تناسب و هماهنگی لازم را بین سیستم آموزش عالی و بازار کار برقرار سازند.

بعد از مشخص شدن راهکارهای تحقق مکانیسم های پیشنهادی برای ارائه مدل سرمایه گذاری در آموزش عالی، از دل مصاحبه های به عمل آمده، مهمترین شرایطی که باید برای راهکارهای تحقق مکانیسم های پیشنهادی در نظر گرفت، به شرح ذیل می باشد:

فراهم کردن تمامی زیر ساخت ها؛ مشارکت بخش خصوصی و سه بخش اقتصاد؛ تغییر نوع نگاه به آموزش عالی؛ بنگاه داری دانشگاهی؛ استقلال دانشگاهی؛ مهندسی سیستم برنامه ریزی منابع انسانی؛ مدیریت منابع انسانی حرفه گرا؛ شناسایی نیازهای بازار کار؛ مدل سازی عرضه و تقاضای نیروی انسانی؛ رشد اقتصادی مطلوب؛ پویایی های بازار؛ مشارکت گروه های ذی نفع

متفاوت؛ فناوری و استراتژی سازمانی آموزش عالی و بازار کار؛ بازنگری و تجدیدنظر راهبرد؛ حمایت دولت؛ مشارکت و باور ذی نفعان درونی؛ تلاش و ذهنیت مدیران؛ تعهد مشتریان به پیمان عقد شده؛ فرهنگ سازی؛ اصلاح بازار نوسانات ارزی؛ رفع موانع سیاسی و قانونی.

بحث و نتیجه گیری:

امروزه بحران های مالی در اکثر کشورهای جهان مطرح می باشد. در این بین بخش آموزش عالی به عنوان یکی از مهمترین بخش های هر جامعه ای می باشد که دارای بار کارکردی متفاوتی می باشد. مساله تامین مالی در این بخش از جامعه به عنوان مساله ای بنیادین یاد شده که در صورت اختلال و عدم تخصص بهینه و مطلوب به بخش مربوطه، کارکردهای بنیادین این بخش با دچار اختلال و در نتیجه با توجه به نقش اساسی این کارکردها در فرایند کشور داری، دیگر بخش های کشور نیز مختل خواهند شد. کند.

در گزارشی که از بانک جهانی در سال ۱۹۴۴ ارائه شده، مشخص شده است که درحال حاضر مسئولیت دولت ها بیشتر به سمت تعیین عوامل و شاخص های کلی و وضع چارچوب قانونی دقیق و مشخصی که بتوانند بر گسترش نظام های متفاوت آموزش عالی به شکلی بهتر به نیازهای اقتصاد ملی و توسعه منابع انسانی پاسخ دهند، معطوف شده است (آلهو و همکاران، ۲۰۰۰). به همین دلیل، در سال های اخیر به مؤسسات آموزش عالی اختیارات بیشتری در تخصیص داخلی منابع و بازگردان اعتبارات دولتی و استفاده از رویکردهای بازار برای کسب درآمدهای غیر دولتی داده شده است (امیری و همکاران، ۱۳۸۹).

بنابراین شایسته است به مساله تامین مالی و سرمایه گذاری بهینه در این بخش توجه ویژه شود. اساس توجه به مسائل مالی در آموزش عالی به مباحث اقتصاد آموزش بر می گردد که صاحبان تئوری های اقتصادی بر این امر وفاق نظر دارند. پژوهش حاضر با در نظر داشتن اهمیت و ضرورت مساله تامین مالی و سرمایه گذاری آموزش عالی، ابتدا بر اساس نوع نگاه به آموزش عالی، زمینه اصلی سیاسی و ایدئولوژیکی، مساله تامین مالی و سرمایه گذاری در آموزش عالی را در سه دسته آموزش عالی با مسولیت دولتی، آموزش عالی با مسولیت خصوصی و در نهایت آموزش عالی با مسولیت ترکیبی بیان کرده، سپس مکانیسم های تامین مالی هر کدام را ارائه

۱. Alho et al



نموده و در پایان، با توجه به شرایط مؤسسات آموزش عالی در کشورمان، به ارائه مدلی جهت سرمایه گذاری در آموزش عالی پرداخته است.

سناریو اول: آموزش عالی را به عنوان کالای خصوصی در نظر گرفته که سازمانها و نهادهای خصوصی آن را اداره کرده و دولت در آن هیچ دخالتی نمی کند. در این سناریو تاکید بر ویژگی های خصوصی و شخصی فرد در ابعاد ورودی و خروجی می باشد. مکانیسم توزیع در این سناریو توسط بازار در عرصه خصوصی صورت می گیرد. این سناریو در سیستم های آموزش عالی غیرمتمرکز و ایالتی مطرح است. در این سناریو، دسترسی به آموزش عالی محدود به کسانی است که می توانند هزینه آن را بپردازند. نابرابری در سیستم آموزش عالی رخ داده و به تبع آن شکاف طبقاتی در جامعه بیشتر می شود.

سناریو دوم: آموزش عالی به عنوان کالایی عمومی و تحت مسئولیت عمومی در نظر گرفته شده است. در این سناریو وظیفه ارائه آموزش عالی توسط دولت حاکم تعریف شده و در ورودی و خروجی آن تاکید بر عمومی بودن آموزش عالی می باشد. سازمان توزیع در این سناریو، با روش تصمیم گیری دموکراتیک عمل می کند و بیشتر در نظام های آموزش عالی متمرکز مطرح است. از مهمترین معایب این سناریو اینکه، آزادی علمی آموزش عالی محدود شده و دانشگاه نمی تواند قدرت و نفوذ دولت مرکزی در امور آموزش عالی را کنترل کند که این به نوبه خود باعث کاهش شدید افت علمی آموزش عالی می شود.

در مدل پیشنهادی پژوهش حاضر، آموزش عالی به عنوان ترکیبی از کالاهای عمومی و خصوصی مطرح می باشد. در این سناریو وضعیت ایده آل را ترکیبی از فعل و انفعال بین روش های بازار و روش های تصمیم گیری دموکراتیک می داند. در این سناریو آموزش عالی به عنوان مسئولیتی ترکیبی و از آن به عنوان مدل دانشگاه یا دانشکده ای یاد می شود. بنابراین، سازمان متولی در این سناریو ترکیبی از دو مدل اخیر می باشد. به تبع نظام سازمانی توزیع، در خروجی این سناریو با تاکید بر تعادل، ترکیبی از خروجی های عمومی و خصوصی مطرح می باشد. مفروضات اساسی، نقاط قوت و ضعف های این سناریو ترکیبی از دو سناریو قبلی می باشد.

برای هر کدام از مدل های سرمایه گذاری آموزش عالی، بر اساس بررسی منابع صورت گرفته، مکانیسم های تامین مالی آن ارائه شده است. می توان سه مدل مطرح شده را بر روی برداری فرض کرد که از کمترین کارایی و اثربخشی به بالاترین میزان برخوردار می باشند. در این بردار،

مدل بازار از بالاترین، مدل دولتی از کمترین و مدل ترکیبی وضعیت بینابین را نیز دارا می باشد. پژوهش حاضر در ادامه بررسی های جامع در سه سناریو مطرح شده برای سرمایه گذاری آموزش عالی و مکانیسم های آن، مدل ترکیبی را به عنوان مدل نهایی جهت سرمایه گذاری در آموزش عالی ایران در نظر گرفته است. در این مدل دانشگاه و دولت مشترکاً، مسولیت تامین منابع مالی دانشگاه را به عهده دارند. به نظر می رسد با توجه به وضعیت موجود آموزش عالی کشور و همچنین اراده لازم برای تفویض اختیار به دانشگاه ها برای تامین منابع مالی خود(متن قانون برنامه ششم توسعه آموزش عالی)، این مدل برای شرایط حاضر کشور مناسب می باشد. در واقع مدل منتخب پل ارتباطی بین دو طیف متمرکز و غیر متمرکز می باشد. و آن را می توان به عنوان نوعی فرهنگ سازی برای تفویض کامل و استقلال مالی همه جانبه آموزش عالی در نظر گرفت. بنابراین، برای تحقق شرایط مدل منتخب در سیستم آموزش عالی، باید الزمات و اصلاحاتی را در سیستم آموزش عالی فراهم کرد و بر این اساس زمینه را برای تحقق این مدل مهیا نمود. پژوهش در ادامه برای شناسایی شرایط تحقق مدل منتخب، با استفاده از متخصصان و پژوهشگران حیطه آموزش عالی که ارتباط نزدیکی با مساله پژوهش حاضر داشته و نسبت به نظام آموزش عالی کشور اطلاعات کافی در اختیار داشتند، مصاحبه و با استفاده از تحلیل تم صورت گرفته، مهمترین راهکارهای تحقق مدل منتخب در سیستم آموزش عالی را ارائه داده است. مطابق با مصاحبه های به عمل آمده از متخصصان و صاحب نظران، راهکارهای تحقق مکانیسم های پیشنهادی به منظور ارائه مدلی برای سرمایه گذاری در آموزش عالی کشور شامل دو مولفه‌ی "اصلاحات ساختار سازمانی" و "اصلاحات ساختار وظیفه ای" تقسیم بندی شده است. اصلاحات ساختاری سازمانی در واقع تشکیلات، فرایندها و فناوری اطلاعات، نیروی انسانی و قوانین و مقررات می باشند که کارایی یا عدم کارایی هر یک از عوامل فوق بر عملکرد سایر عوامل و در نهایت سیاست های آموزش عالی تاثیر گذار است.

در زمینه اصلاحات ساختار سازمانی آموزش عالی، مقوله های اصلاح امور آموزشی و درسی، اصلاح امور پژوهشی و فناوری، اصلاح امور اداری و مالی و اصلاح امور دانشجویی به عنوان مهمترین راهکارهای اصلاحات ساختاری آموزش عالی معرفی گردید.

دیگر راهبرد به دست آمده برای اصلاح ساختار آموزش عالی بازار محور، اصلاح ساختار وظیفه ای آموزش عالی می باشد. اصلاح ساختار وظیفه ای آموزش عالی، سیاستگذاری، ماهیت، نوع، کارکردها و روش های آموزش عالی کشور می باشد. مهمترین مقوله های به دست آمده برای



اصلاح ساختار وظیفه ای آموزش عالی که تاکید بسیاری بر روی آن شده، سیاستگذاری آموزش عالی، تاسیس دانشگاه کارآفرین، استانداردسازی سرمایه های انسانی، آمایش آموزش عالی، نوآوری و تکنولوژی در آموزش عالی، تقویت سرمایه فکری و انسانی، مدیریت دانش، توسعه زیرساخت های سرمایه ای، الکترونیکی، و زیربنایی آموزش عالی، توسعه دیپلماسی علم و فناوری، تدوین نظام حقوقی و دارایی های فکری، و بازاریابی آموزش عالی می باشد. در ادامه، مهمترین شرایطی که باید برای راهکارهای تحقق مکانیسم های پیشنهادی در نظر گرفت، نیز ارائه شده است.

در پایان شایان ذکر است که با انجام این دو اصلاحات در ساختار آموزش عالی، دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی به طور سازمانی و وظیفه ای از استقلال سازمانی و نهادی برخوردار شده و از طریق مکانیسم های بازار آزاد و بخش خصوصی تامین اعتبار مالی و سرمایه گذاری صورت می گیرد. در مقام مقایسه یافته های پژوهش باید اشاره کرد که پژوهشهای اندکی به مساله پژوهش حاضر پرداخته اند که این پژوهش های اندک نیز، به صورت جامع، و یکپارچه به موضوع مدل های تامین مالی و سرمایه گذاری در آموزش عالی نپرداخته اند.

منابع:

امیری، مجتبی، مقیمی، سید محمد و قربانی، فاطمه (۱۳۸۹). چالش ها، موانع و ساز و کارهای نظام های بودجه ریزی در آموزش عالی: مطالعه ی موردی: دانشگاه تهران، بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۷، شماره ۵۹.

انتظاری، یعقوب و محجوب عشرت آبادی، حسن (۱۳۹۳، الف). انتخاب سازوکار و روش مناسب برای تخصیص منابع عمومی به آموزش عالی. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۶۸.

تبریزی، منصوره. (۱۳۹۳). تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی. فصلنامه علوم اجتماعی شماره ۶۴، بهار ۱۳۹۳.

توفیقی، جعفر و فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۳). بررسی، آسیب شناسی و طراحی الگوی مطلوب اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی در توسعه آموزش عالی ایران. تهران: معاونت علمی و فناوری ریاست جمهور، معاونت توسعه فناوری.



رسته مقدم، آرش و نادری، ابوالقاسم. (۱۳۹۴). الگوهای تأمین منابع مالی و استخراج آموزه هایی برای نظام آموزش عالی ایران. فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، سال هفتم، شماره ۲.

سعیدی، علی (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر میزان تخصیص منابع مالی درون دانشگاههای دولتی ایران با استفاده از دادههای تابلویی. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۷۱.

شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۹۰). سند نقشه جامع علمی کشور. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). سند تحول راهبردی نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران در افق چشم انداز (سند مشهد مقدس). تهران: شورای عالی آموزش و پرورش.

عزتی، میترا و نادری، ابوالقاسم. (۱۳۸۸). تأثیر سازکارهای تخصیص منابع مالی بر عملکرد آموزشی گروه های آموزشی دانشگاهی: مطالعه موردی دانشگاه تهران. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، ۵.

کردی، محمد علی (۱۳۹۰). طراحی نظام بودجه بندی عملیاتی در آموزش عالی، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه قم، دانشکده مدیریت.

قارون، معصومه. (۱۳۷۵). بررسی راههای تأمین منابع مالی دانشگاهها. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، ۱.۲.

قارون، معصومه. (۱۳۸۰). مروری بر نحوه تأمین منابع مالی آموزش عالی در منطقه آسیا و اقیانوسیه و رهیافتهایی برای ایران. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۲۰.

قارون، معصومه. (۱۳۹۲). معرفی الگوی برآورد منابع مالی مورد نیاز برای اهداف کلان بخش علوم، تحقیقات و فناوری از محل منابع عمومی. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۶۷.

نادری، ابوالقاسم. (۱۳۸۰). توان مالی دولت و سایر راههای تأمین مالی آموزش عالی. تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.



نورشاهی، نسرين (۱۳۷۲). جایگاه آموزش عالی در مقایسه با ۲۶ کشور جهان. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۴.

مراجع :

Ala, C. (2015). Comparative Analysis of University Financial Autonomy in Lithuania, Scotland, Sweden, Denmark and Romania, Academy of Economic Studies of Moldova, EUniAM Task Force Mission Team.

Alho, Juha M. Salo, Mikko A. (2000). Merit rating and formula-based resource allocation. The International Journal of Educational Management, Vol 14, p:95100

Arbo, P. & Benneworth, P. (2007), Understanding the Regional Contribution of Higher Education Institutions: A Literature Review, oecd Education Working Paper, No. 9, oecd, Paris.

Ana, G. D. F. (2014). Financing Higher Education in Latin America, INTERNATIONAL HIGHER EDUCATION Number 74 Winter 2014, Pages 22-24.

Bergan, S., Weber, L. (2005). The Public Responsibility for Higher Education and Research. Council of Europe.

Birutė, P and Aurelija, P. (2010). the financing models of the higher education system, Jurisprudence, Mykolo Romerio universitetas.

Commission European. (2017). The 2017 Annual Work Programme for the implementation of "Erasmus+": the Union Programme for Education, Training, Youth and Sport. C(2017)705 of 10 February 2017.

Corrigan, T. D. (2012). The Current State of Financial Education in the US: How is Higher Education Helping? International Series on Consumer Science, © Springer Science+Business Media, LLC 2012.

Dobbins, M., Knill, C., & Vöglte, E. M. (2011). An analytical framework for the cross-country comparison of higher education governance. Higher Education, 62(5), 665-683.

EUROPEAN COURT OF AUDITORS European Union. (2016). Implementing the EU budget through financial instruments — lessons to be learnt from the 2007- 2013 programme period, Publications Office of the European Union, 2016.

The European Students' Union. (2013). Compendium on financing of higher education, Final report of a project named Financing the Students' Future, by the European Students' Union ESU, Brussels, January 2013.



- . Elo, Satu & Kyngas, Helvi (2007). The Qualitative Content Analysis Process. Journal of a Advanced Nursing. 2008. Wiley online library
- European Commission higher education modernization. (2010). Funding higher education: a view across Europe, European Centre for Strategic Management of Universities
- Estefan, G. M. mihaela, S and viorelalgia, V. (2015). Comparative analysis of University Education Systems from the Central and Eastern European Countries, Procedia Economics and Finance 32 (2015) 1276 – 1288.
- Jana Erinaa, J and Erinsb, I. (2015). Assessment of Higher Education Financing Models in the CEE Countries. Procedia - Social and Behavioral Sciences 177 (2015) 186 – 189.
- Hsiu-Fang, Hsieh & Shannon, Sarah. E. (2005). Three Approaches To Qualitative Content Analysis. Qualitative Health Research. November. 2005.
- Galbraith, Peter (2013). Out of the Frying Pan: Into the Fire of Post-Global Financial Crisis (GFC) University Management, Higher Education Policy, 2013, 26, (523–550).
- Goddard, J. (2005), Institutional Management and Engagement with the Knowledge Society. Higher Education Management and Policy, Vol. 17. oecd.
- OECD. (2006). Funding Systems and their Effects on Higher Education Systems – Norway, NIFU STEP – Studies in Innovation, Research and Education.
- OECD. (2006). Going for Growth, Economic Policy Reforms, Structural Policy Indicators, Priorities and Analysis, published on the responsibility of the Secretary-General of the OECD.
- OECD. Education at a Glance. (2010). Key indicators on education: How much public and private investment is there in education, Table B3.2b available at:
http://www.oecd.org/document/55/0,3746,en_2649_37455_46349815_1_1_1_37455,00.html.
- OECD. (2006). Four Future Scenarios for Higher Education. <http://www.oecd.org/edu/highereducationandadultlearning/ceriuniversity>.
- Marginson, Simon (2007). The public/private divide in higher education: A global revision. Higher Education (2007) 53: 307 – 333. The paper was adapted from a keynote address to the Conference of Higher Education Researchers (cher), University of Twente, Enschede, 19 September 2004 on the public/private question.



- María, M F. Ciro, A. Javier, B. Á. Francisco, H. P. and Sergio, U. (2017). At a Crossroads Higher Education in Latin America and the Caribbean, International Bank for Reconstruction and Development / The World Bank. 1818 H Street NW, Washington, DC 20433.
- Manar, S. (2009). Funding Policy and Higher Education in Arab Countries, Comparative & International Higher Education 1 (2009).
- Milosavljević, M., Benković, S. (2014). Education as a driver of entrepreneurship among graduates in Serbia, Actual Problems of Economics, in press.
- Min-xuan, z. (2006). A financial perspective: categories of higher education institutions. Higher Education Press and Springer-Verlag 2006.
- M.J. Dumestre. (2016). Financial Sustainability in US Higher Education, palgrave macmillan, This Palgrave Macmillan imprint is published by Springer Nature The registered company is Nature America Inc. New York.
- Miloš, M. Slađana, B. (2013). THEORETICAL CHALLENGES OF FINANCING HIGHER EDUCATION IN THE WEST BALKANS REGION. Conference Proceedings, 16th Toulon-Verona Conference "Excellence in Services" University of Ljubljana, Slovenia, 29-30 August 2013.
- Mould, O., Vorley, T., Roodhouse, S. (2008). Realising capabilities—academic creative ties and the creative industries. Creative Industries Journal, Vol. 1:2.
- Nik, H. (2013). Why investestest in Higher Education? by the European Students' Union ESU, Brussels, January 2013.
- Pritchard. R. M. O. et al. (2016), Positioning Higher Education Institutions Sense Publishers. All rights reserved.
- Pollitt, C., & Bouckaert, G. (2000). Public management reform: A comparative analysis. Oxford: Oxford University Press.
- Liu, S. (2012). Research on Financial Management Connotation of Colleges and Universities Based on Management Innovation. Springer Heidelberg New York Dordrecht London.
- The European Students' Union. (2016). Compendium on financing of higher education, Final report of a project named Financing the Students' Future
- Thomas, David R. (2006). A General inductive approach for qualitative data analysis. American Journal of Evaluation. Vol27. No. 2
- Raudla, R. Karo, E. Valdmaa, K and Kattel, R (2015). Implications of project-based funding of research on budgeting and financial management in public universities, Springer Science+Business Media Dordrecht 2015.



State Higher Education Executive Officers. (2017). State Higher Education Finance (SHEF) FY 2016, available at www.sheeo.org. and website at www.higheredinfo.org.

Universities UK (2009), The impact of universities on the UK economy, 4th report, p.5. Available at:

<http://www.universitiesuk.ac.uk/Publications/Pages/ImpactOfUniversities4.aspx>

Welpel, I. M. Wollersheim, J. Ringelhan, R. Osterloh, M. (2015). Incentives and Performance, Governance of Research Organizations, German Federal Ministry of Education and Research.

Wilkinson, David & Birmingham, Peter (2003). Using Research Instruments: A Guide for Researchers. London: Routledge

Zmas. A. (2015). Financial crisis and higher education policies in Greece: between intra- and supranational pressures. High Educ 69:495–508. This

